

کتابخانه‌های عراق از آغاز تا امروز

گیتی آرین^۱

چکیده: اشغال کشور عراق توسط نیروهای آمریکایی و انگلیسی در آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) و آسیبی که به آن دلیل به کتابخانه‌ها رسید، سبب تهیه این مقاله شد. پژوهش حاضر پس از مرور تاریخ عراق، به معرفی کتابخانه‌های این کشور از زمان باستان تا پایان قرون وسطا می‌پردازد، سپس وضعیت فعلی کتابخانه‌ها را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عراق، کتابخانه‌ها، بین‌النهرین، تاریخ

مقدمه

پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی و انگلیسی در آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲)، توجه نگارنده به وضعیت و سرنوشت کتابخانه‌های عراق جلب شد. چون فرهنگ و تمدن هر کشور که در کتابخانه‌های آن متجلی می‌شود، جدا از پیشینه تاریخی و موقعیت جغرافیایی آن کشور نیست، ابتدا به اختصار تاریخ عراق را مرور می‌کنیم. سپس وضعیت کتابخانه‌های عراق را از زمان باستان تا امروز بررسی می‌کنیم.

عراق در جنوب غربی آسیا واقع شده است. این کشور ۴۳۸۳۱۷ کیلومترمربع وسعت دارد و از شمال با ترکیه، از شرق با ایران، از جنوب با عربستان سعودی، کویت و خلیج فارس، و از غرب با اردن و سوریه هم مرز است. دو رودخانه دجله و فرات در آن جاری هستند و

قدیم‌ترین تمدن‌های جهان یعنی سومر، بابل و آشور در این محل شکل گرفته‌اند.

طبق آمار سال ۲۰۰۳ جمعیت عراق ۲۴,۶۸۳,۳۱۳ نفر است. یعنی در هر کیلومترمربع ۵۶ نفر زندگی می‌کنند. ۶۷ درصد از مردم عراق شهرنشین هستند. رشد جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۳ معادل ۲/۷۸ درصد است. ۷۵ درصد از مردم عراق عرب، ۱۲ تا ۲۰ درصد کرد و عده کمی هم ترکمن، یهودی، ارمنی و آسوری هستند. ۶۰ تا ۶۵ درصد از مردم عراق شیعه و بقیه سنی مذهب هستند. شیعه‌ها در مرکز و جنوب عراق زندگی می‌کنند، و اهل تسنن بیشتر در شمال عراق ساکن هستند. ادیان دیگر درصد کمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند (۹).

۱. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خورد و بین‌النهرین جزء سرزمین‌های خلافت اسلامی شد. اعراب برای هر منطقه‌ای که فتح می‌کردند، حاکم جداگانه‌ای منصوب می‌نمودند. در بین‌النهرین امویان (بنی‌امیه) به قدرت رسیدند و در زمان عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه اموی (حکومت: ۶۶۰-۸۶ ق.) که به عنصر عربی اهمیت فراوان می‌داد و در تقویت آن کوشا بود، زبان عربی زبان رسمی منطقه شد. پس از استقرار امویان، عباسیان در ۱۳۲ ق. به حکومت رسیدند و قرن‌ها بر این منطقه فرمانروایی کردند. ابوجعفر منصور یکی از خلفای عباسی در ۱۲۵ ق. شهر بغداد را بنا نهاد. این شهر مرکز خلافت اسلامی گشت و اولین حوزه علمی اسلام در آنجا تأسیس شد.

با ضعیف شدن عباسیان که بر اثر نفوذ امرای ترک در دستگاه خلافت پیش آمد، قلمرو حکومت آنها به نواحی گوناگون تقسیم شد. عراق فعلی از آغاز حکومت آل‌بویه (دیالمه) تا پایان دوره سلجوقی تبدیل به یکی از ولایات ایران شد. وضع عراق با هجوم مغول‌ها در قرن ۷ ق. به کلی دگرگون گشت. به‌طوری‌که با حمله هولاکو در ۶۵۶ ق. به بغداد و قتل عام مردم و به آتش کشیدن شهر و به قتل رساندن مستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی در بغداد، دوره اقبال عراق آغاز شد. سپس آل جلال در این منطقه به حکومت رسیدند. امیر تیمور گورکانی (تیمور لنگ) در ۸۰۳ ق. به بغداد حمله کرد و شهر را بار دیگر با خاک یکسان نمود، حکومت‌های دیگر چون قرقه قویونلو، آق قویونلو و صفویان نیز هر یک مدتی عراق را در دست داشتند، تا اینکه امپراتوری عثمانی به‌طور کامل بر منطقه مسلط شد. عثمانی‌ها تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) و شکست از متفقین در عراق حکومت کردند. در ۱۹۲۰ حکومت عراق به پادشاهی تبدیل شد و تحت قیمومیت انگلیس، ملک فیصل اول به پادشاهی رسید. در ۱۹۲۶ قیمومیت

براساس تحقیقات انجام شده، حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، اجداد عراقی‌های فعلی به این ناحیه مهاجرت کردند. آنها سامی‌هایی بودند که در اثر تحولات تاریخی و اجتماعی، از دیار جمعیت، اوضاع آب و هوا و دیگر علل، از جزیره‌العرب (عربستان) به منطقه حاصل‌خیز بین‌النهرین (مزوینامیا = Mesopotamia) کوچ کردند. سامی‌ها با سومری‌های ساکن در این منطقه رویه‌رو شدند که از نظر زبان، مذهب و نژاد با آنان تفاوت داشتند. سومری‌ها مردمی زراعت‌پیشه بودند و در ساختن مجراهای آبیاری و تهیه اشیاء از مس، طلا و نقره مهارت داشتند؛ آنها همچنین از گل (سوبات) کنار رودخانه‌های دجله و فرات به خوبی استفاده می‌کردند و در ساخت انواع وسایل از آن ماهر بودند. از همه مهم‌تر، سومری‌ها مخترع خط میخی از نوع تصویری بودند که از این نظر نسبت به دیگر ساکنان روی زمین برتری داشتند.

سامی‌ها با ازدیاد جمعیت و آموختن فرهنگ، هنر و کثابت سومری و به دلیل خوی جنگاوری و صحرانشینی خود، به سرعت بر همه بین‌النهرین غلبه یافتند و مناطقی را که قبلاً سومری‌ها در دست داشتند به کف گرفتند. سامی‌ها سرزمین سومر را کلدی خواندند، و مناطق داخلی را که آگد خوانده می‌شد به بابل (بین‌النهرین سفلا) نام نهاده‌اند و منطقه شمالی را که اوشور نام داشت، آشور یا آتور (بین‌النهرین علیا) نامیدند.

بین‌النهرین در ۵۳۹ ق.م. به‌دست هخامنشیان افتاد. با شکست هخامنشیان از اسکندر مقدونی در ۳۳۱ ق.م. یونان حکم‌فرمای بین‌النهرین شد. در ۳۱۲ ق.م. سلوکیان و پس از آنها در ۱۴۱ ق.م. اشکانیان و بالاخره در ۲۲۶ م. ساسانیان فرمانروایان این منطقه بودند. دولت ساسانی در ۲۱ ق. از اعراب مسلمان شکست

روی لوحی نوشته و به آن الصاق شده بود. چنین مجموعه‌ای را می‌توان از نخستین کتابخانه‌های جهان دانست.

بابلیان که تمدن آنها تا سده شش قبل از میلاد ادامه داشت، در قرن ۲۱ ق.م. دارای کتابخانه‌هایی متشکل از الواح گلین بودند. تاکنون بیش از ۶۰۰۰ لوح گلی از حفاری‌های انجام شده در مناطقی که پیش از این شهرهای کیش و سیبار قرار داشته‌اند به دست آمده است. معروف‌ترین کتابخانه بابلیان بوریسیا^۱ نام داشت که از پرآوازه‌ترین کتابخانه‌های دوران باستان است.

آشوریان که هم‌زمان با بابلیان در بین‌النهرین می‌زیستند، در امر تأسیس کتابخانه پیش‌تاز بودند. مشهورترین کتابخانه آنان آشوربانیپال نامیده می‌شد و در شهر نینوا (پایتخت آشور) قرار داشت. این کتابخانه توسط آشوربانیپال پادشاه آشور بنا شده بود. این پادشاه را کتابدار - پادشاه نام دادند زیرا به کتاب (به معنای عام) بسیار علاقه‌مند بود و در جمع‌آوری آنها می‌کوشید. او برای مجموعه کتابخانه فهرست منظم و منطقی در موضوعات مختلف تهیه کرده بود. کتابخانه آشوربانیپال تا زمان تأسیس کتابخانه اسکندریه مهم‌ترین کتابخانه بوده است^۲ (۳: ۳۰۰-۳۰۵؛ ج ۲، ۲۱۷۶). سربازان میدی که به نینوا حمله کردند، کتابخانه یاد شده را در ۶۱۲ ق.م. از میان بردند. باستان‌شناسان آثار باقی‌مانده از کتابخانه را کشف کردند و به این ترتیب عظمت آن بر جهانیان معلوم گشت.

کتابخانه‌های قرون وسطا: در قرون وسطا (حدود ۵۰۰-۱۵۰۰ م.) مشرق زمین مهد تمدن جهان، و عراق از مهم‌ترین مراکز فرهنگ و تمدن آن دوره بود. کاغذ که در حدود سال ۱۰۵ م. توسط تسای لون^۳

انگلیس بر این کشور پایان یافت و عراق به عنوان یک کشور مستقل رسماً در جامعه ملل پذیرفته شد. نظام پادشاهی تا ۱۹۵۸ ادامه داشت. در این سال عبدالکریم قاسم علیه فیصل دوم کودتا کرد و در این کشور جمهوری اعلام شد. پس از آن پس در پس کودتاهای موفق و ناموفق رخ داد. در سال ۱۹۷۹ = ۱۳۵۸ صدام حسین با برکناری حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق شد. صدام حسین سال‌های سال بر عراق حکومت کرد و حزب بعث تنها حزبی بود که در این کشور اجازه فعالیت داشت. در زمان دیکتاتوری صدام حسین دو واقعه مهم رخ داد: اولی جنگ هشت ساله علیه ایران بود (۱۳۵۹-۱۳۶۷)، دیگری حمله عراق به کویت در اواخر ۱۹۹۰ که با مداخله آمریکا در اوایل ۱۹۹۱، ارتش عراق مجبور به عقب‌نشینی شد.

در آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) پس از به اوج رسیدن اختلافاتی که بر سر سلاح‌های کشتار جمعی میان عراق و آمریکا به‌وجود آمده بود، نیروهای ارتش آمریکا و انگلیس به عراق حمله کردند. صدام حسین برکنار شد و تا زمان نگارش این مسطور، برای این کشور رئیس حکومت تعیین نشده است.

اکنون به بررسی وضع کتابخانه‌های عراق از عهد باستان تا زمان حال می‌پردازیم که همچون تاریخ این کشور سرنوشتی پرفراز و نشیب داشته است.

کتابخانه‌های دوران باستان: از ویرانه‌های شهرهای باستانی سومریان آثاری به دست آمده است که نشان می‌دهد این قوم از ۲۷۰۰ ق.م. کتابخانه‌های شخصی، مذهبی و دولتی داشته‌اند. مشهورترین آنها "کتابخانه تللو (Tello) با بیش از سی هزار لوح گلی بوده است" (۹۳۶). الواح گلین یاد شده با خط میخی نگاشته شده‌اند و در جعبه‌های چوبی، سبدهای نشین و ظروف آجری نگهداری می‌شدند؛ موجودی و محتویات هر جعبه بر

کتابخانه‌هایی نیمه عمومی بود. این اماکن محل تجمع علما، فقها، محدثان و فرهنگ‌نویسان بود که تحقیقاتی در زمینه‌های علوم مختلف آن روزگار انجام می‌دادند مانند پژوهش‌های نجومی، فلسفی و علوم دینی؛ و در ازاء خدمتی که می‌کردند حقوق و مزایایی به آنها تعلق می‌گرفت. این مؤسسات در قرن سوم ق. از میان رفتند. معروف‌ترین بیت‌الحکمه در محدودهٔ عراق کثونی قرار داشته است که بیت‌الحکمه مأمون نام دارد.

بیت‌الحکمه مأمون: "این مؤسسه به تقلید از دارالعلم جندی‌شاپور" (ج ۱: ۲۸۲، ۱) در دورهٔ حکومت مأمون خلیفهٔ عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ق.) تأسیس شد. بیت‌الحکمه مأمون تأثیر بسزایی در بسط علوم و معارف در دورهٔ اسلامی داشت. به دستور مأمون که شیفتهٔ کتاب بود و خود نیز دستی به قلم داشت، نسخه‌هایی متعدد از کتاب‌های یونانی از امپراتوری بیزانس (روم شرقی) به بغداد آورده شد. این کتاب‌ها توسط مترجمان زبردست به عربی ترجمه و به‌وسیلهٔ ویراستاران ماهر ویرایش شدند. علاوه بر کتاب‌های یونانی، مأمون دستور داد آثار بارزش فارسی و گاه سریانی به عربی ترجمه شود. غیر از مجموعه‌هایی که به این طریق مهیا شد، کتاب‌های اهدایی و کتاب‌هایی که از کتابخانه‌های قدیمی خلفا به‌دست آمده بود نیز به آنها افزوده شد و بیت‌الحکمه را معتبرتر کرد. کتاب‌ها در محلی به نام خزانه المأمون نگهداری می‌شدند که در حقیقت کتابخانهٔ بیت‌الحکمه بود. بیت‌الحکمه مأمون گاه خزانهٔ الحکمه و گاهی بیت‌الحکمه بغداد نامیده می‌شد.

بیت‌الحکمه مأمون به‌زودی به یک نهاد ترجمه تبدیل شد و محل گردمایی نخبگان گردید. آنها در آنجا به بحث و جدل، مطالعه، ترجمه، تألیف و تحقیق می‌پرداختند. پس از مأمون و "انتقال مقر خلیفه از بغداد

اهل چین اختراع شده بود و در ۶۱۰ م. ژاپنی‌ها با آن آشنا شدند در سال ۷۵۱ م. به سمرقند و از آنجا به بغداد رسید. "فضل بن یحیی بومکی نخستین کسی بود که در بغداد کارخانه کاغذسازی دایر کرد" (ج ۴: ۲، ۲۱۴۴). به این ترتیب در قرن ۴ ق. استفاده از کاغذ در عراق رایج شد و کتابخانه‌ها رونق یافت. در این دوره بغداد به مرکز فرهنگ اسلامی تبدیل و اولین حوزه‌های علمی اسلامی در این شهر تأسیس شد. در قرون وسطا سه نوع کتابخانه در جهان اسلام و بالطبع در عراق وجود داشته است که به اختصار آنها را معرفی می‌کنیم.

بیت‌الحکمه‌ها: زمانی که اعراب فتوحات خود را آغاز کردند، تنها نوشته‌ای که همراه داشتند قرآن بود. ضمن فتوحات با ملت‌های تحصیل کرده و باسواد مواجه شدند که کتاب‌های متعدد داشتند و آنها را در اماکنی خاص نگهداری می‌کردند. اعراب نیز دست به ایجاد مؤسساتی مشابه زدند که آنها را بیت‌الحکمه می‌نامیدند. در بیت‌الحکمه‌ها، کتاب‌هایی نگهداری می‌شد که در جریان فتوحات به‌دست می‌آوردند. نسخه‌هایی که به‌وسیلهٔ دانشمندان عرب نگاشته یا استنساخ می‌شدند نیز در آنجا محافظت می‌شدند. در دورهٔ امویان نیز کتابخانه وجود داشته و نسخه‌برداری از کتاب‌ها رایج بوده است. "نخستین بیت‌الحکمه که به وجود آمده احتمالاً متعلق به معاویه اول بوده است" (۳۶: ۳). با به خلافت رسیدن عباسیان در ۱۳۲ ق. کتابخانه‌ها رونق گرفتند، زیرا خلفای عباسی به کتاب و کتابخانه علاقه‌مند بودند و بیت‌الحکمه‌های متعدد بنا کردند. هارون الرشید از نخستین کسانی بود که بیت‌الحکمه دایر کرد. بیت‌الحکمه‌ها ملک خصوصی سلطان یا دیگر افراد کتابدوست بود ولی در آن به روی دانشمندان و نخبگان باز بود. کتابخانه‌های این مؤسسات که گاه به آنها خزانه الحکمه نیز اطلاق می‌شد،

امروزی بود. به استفاده کنندگان از این مکان علاوه بر مرکب و کاغذ، غذا و کمک هزینه نیز پرداخت می شد. لازم به تذکر است که مجموعه دارالعلم موصل وقفی نبود.

کتابخانه ابن سوار، بصره: مؤسس آن ابوعلی بن سوار کاتب (ابن سوار) از دوستداران کتاب بود. این مکان در قرن ۴ ق. بنا نهاده شد. "این کتابخانه را ابن ندیم خزائن الوقف و مقدسی دارالکتب نامیده است" (۱۲۲:۳). کتابخانه ابن سوار را نخستین کتابخانه وقفی دانسته اند. این کتابخانه در ۲۸۳ ق. دچار آتش سوزی شد و از میان رفت.

دارالعلم شاپور (دارالعلم بغداد): مؤسس آن شاپور بن اردشیر، وزیر بهاءالدوله دینمی، فردی ایرانی الاصل و شیعه مذهب بود. این مؤسسه اواخر قرن ۴ ق. در یکی از محلات پرجمعیت و شیعه نشین بغداد به نام گرخ ساخته شد. بنای آن مجلل و از سنگ مرمر و سنگ آهک ساخته شده بود. "مجموعه آن را ۱۰,۴۰۰ جلد کتاب تشکیل می داد که شامل صد قرآن خطی نفیس بود" (۷۱:۱۰). علاوه بر کتاب های مذهبی متعدد، مجموعه کاملی از کتاب های صرف و نحو، فلسفه، طب، نجوم و زمین شناسی در این کتابخانه وجود داشت. با وجود اینکه کتابخانه وقفی بود، هر کتابی به این محل راه نمی یافت، فقط کتاب های ارزشمند از محققان برجسته به مجموعه اضافه می شد. اگرچه این کتابخانه، کتابخانه ای شیعی بود و به وسیله شیعیان اداره می شد ولی در آن به دور از تعصب به روی همه محققان و همه مسلمانان باز بود.

مجموعه کتابخانه یکبار به وسیله دشمنان شاپورین اردشیر به غارت رفت ولی همچنان به کار خود ادامه داد. "در سال ۲۵۱ ق. که ورود طغرل بیک (به بغداد) اعلام شد، سنی ها که به واسطه این جریان قدرت پیدا کرده

به سامرا در عهد معتصم [اوایل قرن ۳ ق.] بیت الحکمه بغداد به یک کتابخانه محدود شد به طوری که مورخان آن را خزائن المأمون یا به عبارت دیگر کتابخانه مأمون نام نهادند" (۷۹:۳). کتابخانه مزبور تا اواخر قرن ۴ ق. دایر و محل رفت و آمد علاقه مندان به کتاب و کتابخانه بود.

دارالعلم ها: در اواخر قرن ۳ و اوایل قرن ۴ ق. که بیت الحکمه ها رو به نابودی گذاشتند، کتابخانه هایی به وجود آمدند که می توان آنها را شکل ابتدایی کتابخانه های عمومی امروزی دانست. البته دارالعلم ها کتابخانه نبودند، ولی کتابخانه ها رکن اصلی آن را تشکیل می دادند. به همین دلیل به آنها دارالکتب می گفتند "زیرا در این مؤسسات حاکم کتاب بود" (۳۹۲:۳). تأسیس این کتابخانه ها همزمان با تصدیق فقها مبنی بر قانونی بودن وقف کتاب و مصادف با اوج فعالیت های علمی مسلمانان بود. لازم به یادآوری است که رسم وقف کتاب ابتدا مختص وقف مصاحف و قرآن مجید به مساجد بود؛ با عام شدن وقف کتاب، کتابخانه های آن دوره یعنی دارالعلم ها آنباشه از مجموعه های نفیس وقفی شدند. در دارالعلم ها کلاس های درس و بحث نیز تشکیل می شد. در کتابخانه های دارالعلم ها به روی همه باز بود، بنابراین می توان آنها را صادر کتابخانه های مدارس دانست که بعدها بنا نهاده شدند. "با روی کارآمدن سلجوقی ها در عراق (حدود ۵۱۱ ق.)، دارالعلم ها روبه نابودی گذاردند" (۳۹۵:۳).

دارالعلم های معروف عراق عبارتند از:

دارالعلم موصل: در اوایل قرن ۴ ق. ابن حمدان کتابخانه ای در موصل تأسیس کرد که مجموعه آن همه دانش بشری آن زمان را در برمی گرفت؛ البته به سبب علاقه ابن حمدان به فلسفه و نجوم، منابع آن در این دو موضوع غنی تر بود. مراجعه به این کتابخانه برای همگان آزاد و نمونه واقعی یک کتابخانه عمومی

سال ۲۸۳ ق. به وسیله اعراب بدوی هنگام فتح بصره به آتش کشیده شد.

مدرسه‌ها و کتابخانه‌های آنها

در اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ ق. با به قدرت رسیدن اهل تسنن، مدرسه‌هایی برای آموزش، به‌ویژه آموزش احکام اسلامی بنا نهاده شدند. مدرسه‌ها کتابخانه‌هایی داشتند که مواد مورد نیاز مدرّسان و شاگردان در آنجا جمع‌آوری می‌شدند. از آنجا که خلفا به داشتن کتابخانه‌های بزرگ علاقه داشتند برای کتابخانه‌های مدرسه‌ها مجموعه‌های غنی و باارزش تهیه می‌کردند.

مدرسه‌های معروف عراق عبارتند از:

مدرسه نظامیه، بغداد: در ۴۵۷ ق. خواجه نظام‌الملک دستور داد در بغداد و در نزدیکی کاخ خلیفه مدرسه‌ای بنا شود که کار ساختمان آن در سال ۴۵۹ به اتمام رسید. این مدرسه به نام مؤسس آن مدرسه نظامیه خوانده شد و مانند دیگر مدارس شهرهای مهم چون اصفهان، نیشابور، بلخ و هرات که نظام‌الملک مؤسس آنها بود، علاوه بر مسجد و بیمارستان، کتابخانه‌ای مجهز و معتبر داشت که دارالکتب نامیده می‌شد. از آنجا که خواجه شافعی مذهب بود؛ مدرسه و کتابخانه آن نیز برای شافعی‌ها ساخته شده بود. این کتابخانه در آتش‌سوزی ۵۱۰ ق. آسیب دید، اما کتاب‌های آن توسط طُلاب مدرسه از همله‌ک نجات یافتند. پس از این اتفاق کتابخانه‌ای دیگر بنا نهادند و کتاب‌ها را به آنجا منتقل کردند.

مدرسه ناصریه: در ۵۸۹ ق. ناصرالدین‌الله سی و چهارمین خلیفه عباسی مدرسه‌ای ساخت که ناصریه خوانده می‌شد. این مدرسه کتابخانه‌ای با هزاران جلد کتاب داشت که بسیاری از آنها متعلق به مجموعه

بودند به محله کرخ حمله برده و شروع به غارت و آتش زدن آن کردند^{۱۳۸۳} و کتابخانه را از بین بردند. گفته می‌شود عمیدالملک گُندری وزیر طغرل بیک بعد از اطفاء حریق به محل دارالعلم آمده و امر کرد جمعیت را که سرگرم غارت آنجا بودند، پراکنده کنند. آن‌گاه شخصاً بهترین آثاری را که سالم مانده بودند، انتخاب کرده و به شهر خود در خراسان ارسال کرد^{۱۳۸۳}.

در اواخر عصر دارالعلم‌ها، کتابخانه‌هایی ایجاد شدند که می‌توان آنها را همچنان دارالعلم دانست. که معروف‌ترین آنها عبارتند از:

دارالکتب کوچک ابن‌ابی‌عوف، بغداد: به عقیده یسوسف العث ایسن کتابخانه یکی از آخرین دارالعلم‌هایی‌ست که وجود داشته است. این کتابخانه در ۴۵۲ ق. توسط ابوالحسن محمدبن هلال بن محسن بن ابراهیم صابی معروف به غُرس‌النعمة پس از به آتش کشیده شدن دارالعلم شاپور و از میان رفتن و غارت کتاب‌های آنجا از بیم نابودی علم بنا نهاده شد. چون کتابخانه در کوچه ابن‌ابی‌عوف واقع بود به این نام مشهور شد. کتاب‌های وقفی کتابخانه را بین چهارصد تا چهارهزار جلد تخمین زده‌اند که توسط مؤسس آن اهدا شده بود. این کتابخانه را می‌توان جزء کتابخانه‌های شیعی به حساب آورد زیرا مؤسس آن شیعه مذهب بود. بعد از تأسیس دارالکتب نظامیه در سال ۴۵۹ ق. کتابدار آن مهر وقف را از روی کتاب‌ها برداشت و آنها را به فروش رساند، زیرا معتقد بود پس از تأسیس دارالکتب نظامیه نیازی به کتابخانه غُرس‌النعمة نیست.

دارالکتب ابن‌شاه مردان، بصره: این کتابخانه که در قرن ۵ ق. بنا نهاده شد از آخرین نمونه‌های دارالعلم دانسته‌اند. مؤسس آن ابومنصور بن شاه مردان وزیر مالک ابوالکلیجار دیلمی بود. مجموعه آن بسیار گرانها و متشکل از شاهکارهای آن زمان بود. کتابخانه مزبور در



شخصی ناصر بود، بقیه کتاب‌ها نیز به وسیله افرادی چون ابوالرشید برهان‌الدین میشرین احمدین علی رازی انتخاب شده بودند.

مدرسه مستنصریه: المستنصر خلیفه عباسی دستور ساختن مدرسه جدیدی داد که به هر چهار فرقه اهل سنت اختصاص داشته باشد. ساختمان این مدرسه در ۶۳۱ ق. به پایان رسید. مؤسس مدرسه که از علاقه‌مندان کتاب بود آثار نفیسی در کتابخانه مدرسه گردآورد که به گفته "ابن عتبه العلوی، هشتاد هزار جلد" (۱۹۱۳) بود. کتاب‌های این کتابخانه موضوعی تنظیم شده بودند.

مدرسه جلیلیه، بغداد: ابو سعید الحرمی المبارک بن علی، فقیه حنبلی در قرن ۲ ق. مدرسه‌ای در باب الازج بنا نهاد و کتاب‌های بی‌نظیری در کتابخانه آن جمع‌آوری کرد. کتابخانه شخصی خود را نیز وقف آنجا کرد. پس از فوت ابوسعید الحرمی در ۵۱۳ ق. شاگرد وی شیخ عبدالقادر جیلی (متوفی ۵۶۱ ق.) کتابخانه را توسعه داد و کتابخانه به نام وی مشهور شد.

مدرسه ابن هبیره، بصره: این مدرسه در ۵۵۷ ق. توسط ابن هبیره وزیر بجی بن محمد بنا نهاده شد. کتابخانه‌ای مفصل داشت که بعدها مجموعه آن به حراج گذاشته شد. این کتابخانه تعدادی کتاب وقفی نیز داشت. مدرسه فقریه، بغداد: مؤسس مدرسه و کتابخانه آن فخرالزمان ابوالفضل مسعود بن علی معروف به ابن صوابسی (متوفی ۵۷۸ ق.) بود. کتابخانه مدرسه مجموعه‌ای در همه علوم آن زمان داشت. دیگر مدارس معروف آن دوره که کتابخانه‌های معتبری نیز داشتند عبارتند از:

مدرسه جوزیه: مدرسه عبدالله، مدرسه شاری بن رزاق‌الله؛ مدرسه بشریه و مدرسه مسعودیه. تعدادی از مساجد نیز دارای کتابخانه بودند که برخی از آنها از

جمله المستجد (معروف به قمریه) در بغداد معروف است.

رباط‌ها نیز کتابخانه داشتند که فهرستوار به آنها اشاره می‌کنیم:

رباط المأمونیه؛ رباط مرزوبانیه؛ رباط الزوزنی؛ رباط الحرم الطاهر، رباط خاتونی؛ رباط الاخلاطیه، رباط النجمی و بسیاری دیگر که همگی در بغداد بوده‌اند.

مقابر و آرامگاه‌ها نیز کتابخانه‌هایی با مجموعه‌های نفیس و وقفی داشتند از جمله: مشهد ابوحنیفه؛ مشهد موسی بن جعفر (۵).

علاوه بر آنچه ذکر شد، بسیاری از افراد کتابخانه‌های شخصی خود را در معرض استفاده عموم قرار می‌دادند مانند کتابخانه العلقمی که در محل مسکونی مؤیدالدین محمد بن احمد علقمی واقع بوده و "تعداد کتاب‌های آن را هفت هزار جلد تخمین می‌زنند" (۲۱۵۳).

کتابخانه‌های عراق تا زمان حمله مغول در قرن ۷ ق. رونق فراوان داشتند. مدارک نشان می‌دهد که در بغداد آن دوره ۳۶ مجموعه کتاب وجود داشته که در آنها به روی محققان باز بود و حدود ۲۰ کتابخانه واقعاً کتابخانه عمومی بوده است.

پس از تسخیر بغداد به دست هولاکو در ۶۵۶ ق. و قتل عام مردم و آتش زدن شهر و کتابخانه‌ها، فرهنگ و تمدن در بین‌النهرین (عراق) ضعیف و ضعیف‌تر شد، به‌طوری‌که با گذشت زمان نه تنها پیشرفتی در زمینه تأسیس کتابخانه‌های جدید به عمل نیامد، بلکه به آنچه وجود داشت نیز آسیب‌های فراوان وارد شد. بسیاری از الواح قدیمی و کتاب‌های نفیس، چون آثار بالرزش دیگر کشورهای این منطقه سر از کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای اروپایی و امریکا در آوردند. از این میان می‌توان به "الواح گلین معروف عصر سومریان که

مواد موجود در کتابخانه اطلاعاتی در دست نیست، زیرا پیش از جنگ نیز آمار دقیقی از موجودی کتابخانه وجود نداشته است. در World of Learning 2002 تعداد نشریات ادواری کتابخانه ۴۱۲,۰۰۰ اعلام شده که معلوم نیست این تعداد مربوط به عنوان‌های نشریات ادواری است یا تعداد نسخه‌های نشریات ادواری در کتابخانه. مدیر بخش نسخ خطی مجموعه کتابخانه را دوازده میلیون می‌داند ولی کارشناسی که پس از اشغال عراق از این کتابخانه بازدید کرده است تعداد کتاب‌ها را با توجه به طول قفسه‌های کتابخانه حدود ۱,۲۰۰,۰۰۰ جلد اعلام کرده است (۷).

در ۱۹۷۰ قانون واسپاری مواد چاپی به کتابخانه ملی به تصویب رسید. از ۱۹۹۹ پنج نسخه از هر مدرکی که چاپ یا ویرایش می‌شود به کتابخانه ملی سپرده می‌شود، البته به‌نظر می‌رسد کار واسپاری مواد به‌طور کامل انجام نشده است. کتابشناسی ملی نیز سال‌هاست که چاپ نشده، بنابراین تخمین عنوان‌های موجود در کتابخانه ملی نیز ممکن نیست.

پس از نخستین آتش‌سوزی، کتابداران و تعدادی داوطلب مجموعه کتابخانه را به یک مسجد شیعی در شهر سابق صدام (در نزدیکی بغداد) و اداره جهانگردی منتقل کردند. در حال حاضر مجموعه کتابخانه در سه محل نگهداری می‌شود.

- حدود ۷۰۰,۰۰۰ جلد هنوز در کتابخانه ملی به‌طور پراکنده و نامرتب و در وضعیتی نامناسب قرار دارد.

- حدود ۳۰۰,۰۰۰ جلد در مسجدی نگهداری می‌شود. این کتاب‌ها در اطافی کوچک روی هم انباشته شده‌اند.

- حدود ۲۰۰,۰۰۰ جلد که ظاهراً کتاب‌های ارزشمند کتابخانه هستند در اداره جهانگردی بغداد نگهداری می‌شوند.

هم‌اکنون در موزه دانشگاه فیلادلفیا نگهداری می‌شود و مربوط به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است.^{۲۶} (۳۶:۶) اشاره کرده که خود مشتی از خروار است.

کتابخانه‌های دوره معاصر: وضعیت کتابخانه‌های عراق در دوره معاصر شبیه بسیاری از کتابخانه‌های کشورهای در حال توسعه است. برخی مجموعه‌های نفیس دارند و تعدادی از آنها حالت نمایش دارند. دانشگاه‌ها و برخی مدارس و دیگر اماکن فرهنگی و علمی نیز کتابخانه دارند.

طبق گزارشی که در سال ۲۰۰۳ تهیه شده است، با وجود اینکه شش سال آموزش ابتدائی در عراق اجباری است، ولی به علل مختلف، به‌ویژه مسائل اقتصادی و فقر فرهنگی برخی خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان خیلی زود مدرسه را رها می‌کنند.^{۲۷} در سال تحصیلی ۱۹۹۸-۹۹ تعداد ۳/۱ میلیون دانش‌آموز در مقطع ابتدائی مشغول به تحصیل بودند، ولی فقط ۶۱۹,۱۱۲ دانش‌آموز در دبیرستان‌ها ثبت‌نام کردند.^{۲۸} این آمار با تعداد کتابخانه‌ها و منابع آنها ارتباط مستقیم دارد.

عراق هشت دانشگاه دارد که چهار دانشگاه در بغداد و بقیه در بصره، اربیل، موصل و تکریت هستند. ۲۰ آموزشگاه فنی نیز در عراق وجود دارد که احتمالاً همگی کتابخانه دارند. در مراکز بیشتر استان‌های عراق کتابخانه عمومی وجود دارد.

کتابخانه‌های بغداد

کتابخانه ملی: ساختمان کتابخانه در ۱۹۷۷ ساخته شده است. پس از اشغال عراق یک‌بار در ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) و بار دیگر یک هفته پس از آن دچار آتش‌سوزی عمدی شد و مجموعه آن به غارت رفت و ساختمان کتابخانه آسیب اساسی دید. از تعداد دقیق



ساختمان کتابخانه به علت شدت آتش سوزی و آسیب وارده به آن امکان پذیر نیست.

کتابخانه دانشگاه مستصریه: این کتابخانه به آتش کشیده نشده، ولی مجموعه، وسایل و تجهیزات، حتی درها و پنجره‌ها و دستگاه تهویه آن دزدیده شده‌اند. پس از مدتی کوتاه تعدادی از کتاب‌های غارت شده به کتابخانه برگردانده شد و فقط ۲ درصد از مواد کتابخانه مفقود شده‌اند. گفته می‌شود ۱۶۸ جلد نسخه خطی توسط رئیس مرکز نسخ خطی از کتابخانه خارج شده است (۷).

کتابخانه‌های بصره

کتابخانه عمومی مرکزی: این کتابخانه به کلی در آتش سوخته و احتمالاً مجموعه آن به غارت رفته است، زیرا اثری از کتاب‌ها در کتابخانه که فقط دیوارهای خارجی آن باقی مانده دیده نمی‌شود. این کتابخانه دارای چهارده نسخه خطی بود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه بصره: ساختمان کتابخانه در آتش سوخته؛ کتاب‌ها، وسایل و تجهیزات آن به غارت رفته و درها و پنجره‌ها شکسته است. مجموعه کتاب‌ها در گوشه‌هایی از کتابخانه جمع‌آوری و به آتش کشیده شده‌اند. حدود ۷۵ درصد از مجموعه از میان رفته است. ۶۰۰ نسخه خطی معروف و معتبر در کتابخانه وجود داشته که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

کتابخانه اسلامی: این کتابخانه متعلق به مرکزی‌ست که در ۱۹۵۰ در بخش قدیمی بصره بنیاد نهاده شد. این کتابخانه غارت شده، ولی به ساختمان آن آسیبی نرسیده است. اعضای مؤسسه، مجموعه به‌یمنارفته را جایگزین کرده‌اند. در حال حاضر حدود ۲۰۰ جلد کتاب چاپی در طبقه اول خانه‌ای قدیمی که سالن مطالعه کوچکی دارد نگهداری می‌شوند.

فهرست برگه‌ها نیز آسیب دیده‌اند. مقداری سوخته‌اند، تعدادی روی زمین پراکنده‌اند و مقداری هنوز در برگه‌دان‌ها قرار دارند.

آرشیو ملی: آرشیو ملی در طبقه دوم کتابخانه ملی قرار دارد. این طبقه و مواد موجود در آن در اثر آتش سوزی آسیب فراوان دیده است. نلی از خاکستر از وسایل و تجهیزات و مواد آرشیو به‌جا مانده است. به‌نظر می‌رسد مقداری از موجودی آرشیو را از کتابخانه خارج و در همان محل‌هایی که کتاب‌ها نگهداری می‌شوند انبار کرده باشند. این اسناد مدارکی از دوره قیمومیت انگلیس در عراق تا ۱۹۵۸ است.

مرکز نسخ خطی: ساختمان این مرکز آسیب ندیده و مجموعه نیز وضعیت خوبی دارد و مورد دستبرد واقع نشده است. در سال‌های اخیر با افزوده شدن برخی مجموعه‌های کوچک که از نقاط مختلف عراق جمع‌آوری و به مرکز سپرده شده‌اند، مرکز نسخ خطی به مجموعه‌ای مفصل تبدیل شده است که حدود ۲۷۰۰۰ جلد کتاب دارد. چند ماه پیش از آغاز جنگ مجموعه کتابخانه به محلی امن در پناهگاهی منتقل شد. پناهگاه مزبور از نظر میزان درجه حرارت و رطوبت وضعیت خوبی دارد. آزمایشگاه و واحد ترمیم نسخ که در نزدیکی مرکز قرار دارد کاملاً غارت شده است. کتاب‌هایی که در این محل وجود داشته‌اند پاره شده‌اند. همه وسایل و تجهیزات نیز از میان رفته‌اند.

کتابخانه اوقاف: این کتابخانه به کلی در آتش سوخته است. نوع مواد آتش‌زا از همان موادی‌ست که کتابخانه ملی با آن به آتش کشیده شد. مجموعه کتابخانه احتمالاً به غارت رفته و از ساختمان آن فقط دیوارهای خارجی باقی مانده است. براساس اطلاعات به دست آمده ۲۰ درصد از مجموعه خطی و ۹۰ درصد از کتاب‌های چاپی از بین رفته‌اند. استفاده مجدد از

کتابخانه‌های موصل

کتابخانه عمومی مرکزی: ساختمان کتابخانه آسیب دیده است، شیشه‌ها و درها شکسته‌اند، ولی ظاهراً به مجموعه کتابخانه آسیبی نرسیده است. در این کتابخانه ۲۰۱ نسخه خطی نگهداری می‌شود.

کتابخانه مرکزی دانشگاه موصل: ساختمان آتش گرفته است ولی وسایل، تجهیزات و کتاب‌ها به غارت رفته‌اند. عکس‌العمل سریع شخصیت‌های مذهبی و پس گرفتن منابع دزدیده شده از سارقان سبب شد که ۷۰ درصد از مواد به کتابخانه برگردانده شود. مدرّسان دانشگاه با همکاران خارجی خود تماس گرفته و درخواست تهیه مجدد کتاب‌های مفقود شده را داده‌اند.

کتابخانه موزه موصل: این کتابخانه در زیرزمین ساختمان موزه قرار دارد. به نظر می‌رسد، کتاب‌ها و مجموعه موزه به وسیله متخصصان از کتابخانه خارج شده باشد، زیرا فقط حدود ۱۰ کتاب مرجع مهم مفقود شده است. حریق کوچکی در سالن مطالعه کتابخانه رخ داده که به جاهای دیگر سرایت نکرده است.

مناسفانه اطلاعی از دیگر کتابخانه‌های عراق چه قبل و چه پس از جنگ در دست نیست.

اینک توجه خوانندگان را به مطالعه ترجمه مقاله‌ای که در روز ۲۷ جولای (۵ مرداد) در روزنامه نیویوریک تایمز به چاپ رسیده است جلب می‌کنم.

امید است غیر از کتاب‌هایی که به آتش کشیده شده‌اند و واقعاً از میان رفته‌اند، دیگر منابع کتابخانه‌های عراق چون مجموعه کتابخانه‌ای که مطالعه خواهد کرد، در جای امنی پنهان شده باشند و پس از برقراری آرامش در عراق، مجدداً به کتابخانه‌ها و صاحبان اصلی آنها یعنی مردم عراق پس داده شوند. لازم به یادآوری است که کتابخانه‌ای که در این مقاله از آن یاد می‌شود احتمالاً همان کتابخانه عمومی مرکزی شهر بصره است که قبلاً

درباره آن به اختصار نوشته‌ایم.

انتقال پنهانی کتاب‌ها به محل امن، پیش از آتش‌سوزی کتابخانه عراق (۸): بصره. عراق. خانه عالیا محمدباقر مملو از کتاب است. قفسه‌های کتاب، گنجینه ظرف‌ها، کبسه‌های آرد جیره غذایی و یخچال قدیمی بر از کتاب است. پرده پنجره را که کنار می‌زنی منظره‌ای نیست جز تعداد زیادی کتاب که در آن چیده شده است. کتاب‌های انگلیسی، کتاب‌های عربی، یک قرآن به زبان اسپانیایی، نسخه‌های خطی چند صد ساله درباره نکات ظریف صرف و نحو و فن و فنون شماری، زندگینامه حضرت محمد (ص) متعلق به قرن ۷ ق. خانه را پر کرده‌اند.

خاتم باقر می‌گوید: "کتاب‌ها حدود ۳۰،۰۰۰ جلد می‌شوند، علاوه بر کتاب‌ها نشریات ادواری هم هستند." این نشریات پناهنده هستند و خاتم باقر کتابدار پنجاه ساله با اراده‌ای راسخی که دارد طریح فرار پنهانی آنهاست. هم‌زمان با هجوم نیروهای انگلیسی به بصره در اوایل آوریل گذشته، او کتاب‌های کتابخانه مرکزی شهر را پنهانی از روی دیواری به ارتفاع دو متر و ده سانتی‌متر به اتاق‌های عقبی و ستورانی منتقل کرد، سپس آنها را بی‌سر و صدا با کامیون به منزلش برد. دوستان و کارمندان کتابخانه هم برای مراقبت از گنجینه کتاب‌ها بسیج شده بودند. در فرصتی که برای نجات کتاب‌ها داشتند ۷۰ درصد از مجموعه کتابخانه را جابه‌جا کردند. نه روز بعد ساختمان کتابخانه در آتش اسرارآمیزی سوخت.

بقای این تعداد کتاب شگفت‌انگیز است، زیرا در بغداد غارتگران، کتابخانه ملی و یک ساختمان دولتی را که چندین هزار قرآن مذهب در آن بود به خاکستر تبدیل کردند. حتی چند نسخه خطی کتابخانه بصره که برای تحقیقی به کتابخانه بغداد ارسال شده بود در این بین از میان رفت.



خانم باقر که مدت چهارده سال رئیس کتابخانه بصره است؛ علی‌رغم کتاب‌هایی که نجات یافته‌اند، تأسف آن تعدادی را می‌خورد که از میان رفته‌اند. او گفت "وقتی کتاب‌ها می‌سوختند مثل صحنه جنگ بود، به‌نظم می‌رسید که کتاب‌ها، کتاب‌های تاریخ، تمدن و فلسفه قریب می‌زدند چرل، چرل، چرل؟".

پیش از آغاز جنگ خانم باقر از فرماندار بصره اجازه خواست، کتاب‌ها به محلی امن منتقل شوند ولی وی بدون هیچ توضیحی مخالفت کرد.

اما خانم باقر به آسانی تسلیم نمی‌شود. او همان کسی است که سال‌های سال با وجود اینکه کتابخانه، کتاب‌ها را امانت نمی‌داد، مخفیانه آنها را به دست افراد می‌رساند تا به خانه ببرند. او گفت "در قرآن نخستین گفته خداوند به حضرت محمد (ص) این است: بخوان". تحت نظارت خانم باقر، بعد از ظهور کتابخانه به سالن ملاقات پزشکان، وکلا، استادان دانشگاه و هنرمندان تبدیل می‌شد. او گفت "دفتر کار من جای مقامات عالی‌رتبه نبود، محلی برای تجمع همه بود."

به محض آغاز جنگ، اداره‌های دولتی به ساختمان کتابخانه که بنای آن مجموعه‌ای مدرن از مکعب‌های رفیع بود، نقل مکان کردند. یک پدافند ضد هوایی نیز روی بام کتابخانه نصب شد.

خانم باقر و دیگران گفتند، این کار جزء برنامه حساب شده دولت بود که می‌پنداشت کتابخانه بمباران نمی‌شود، یا اگر بمباران شود موجب خصومت مردم نسبت به نیروهای اشغالگر خواهد شد.

خانم باقر همچنان سرکار خود حاضر می‌شد و بعد از ظهرها خودرو خود را پس از کتاب می‌کرد و بی‌سروصدا به خانه می‌برد.

ششم آوریل (۱۷ فروردین)، روزی که انگلیسی‌ها وارد شهر شدند، کار انتقال پنهانی کتاب‌ها توسط خانم

باقر ضرورت نازمای یافت. ظهر آن روز به کتابخانه تلفن کرد و دریافت که کارکنان دولت کتابخانه را بی‌دفاع گذاشته و آنها را ترک کرده‌اند. صبح روز بعد، زمانی که آتش توپخانه فضا را پر کرده بود، به کتابخانه سر زد که ببیند چه خبر است، متوجه شد فرش‌ها، وسایل و چراغ‌ها به سرقت رفته‌اند.

ابتدا به رستوان "حمدان" که در همسایگی بود تلفن کرد و از انیس محمد، یکی از صاحبان رستوران کمک خواست. آقای محمد در حالی که سخنان خانم باقر را به یاد می‌آورد که می‌گفت "این کل تاریخ بصره است." گفت "چه می‌توانستم بکنم؟".

آقای محمد ۲۹ ساله، برادران و کارکنان رستوران را بسیج کرد، بغل بغل کتاب‌ها را از روی دیوار کتابخانه به دستائی که آن‌سوی دیوار منتظر بودند، دادند و آنها را در سالن غذاخوری خالی رستوران حمدان انبار کردند. کاسب‌های آن‌سوی خیابان هم به آنها پیوستند، سپس برخی همسایه‌ها به کمک آمدند. آنها، از ساک و جعبه برای جابه‌جایی کتاب‌ها استفاده کردند. خانم باقر پرده‌های کتابخانه را پایین آورد و آنها را بقچه کتاب‌ها کرد. گروه تمام شب کار کردند تا بعد از ظهر روز بعد همه کتاب‌ها جز آنهایی را که درباره یک موضوع خاص بود، از کتابخانه خارج کردند.

حسین محمدالسالم صاحب مغازه لوازم آرایش فروشی نزدیک کتابخانه گفت "فقط کتاب‌هایی را که به صدام حسین مربوط می‌شد، رها کردیم و ادامه داد." کسانی که کمک می‌کردند همه تحصیل‌کرده نبودند، بعضی سواد خواندن و نوشتن نداشتند ولی می‌دانستند که کتاب‌ها بالارزش هستند."

آقای محمد گفت شبی که کتابخانه آتش گرفت، نزد انگلیسی‌ها می‌رود و از آنها کمک می‌خواهد اما آنها کمکی نکردند. روز بعد یک

مآخذ

۱. "بیت الحکمة" دایرةالمعارف فارسی [مصاحف] ج ۱، ص ۲۸۲
۲. خلیفه، شعبان عبدالعزیز. دایرةالمعارف العربیة فی علوم الکتاب و المکتبات و المعلومات. قاهره، دارالمعریة الیسیانیة، ۱۹۹۷
۳. عش، یوسف. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی (بین‌النهرین، سوریه و مصر). ترجمه استداله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲
۴. "کتابخانه" دایرةالمعارف فارسی [مصاحف] ج ۲، ص ۲۱۹۳-۲۱۹۴
۵. "کتابخانه" دایرةالمعارف فارسی [مصاحف] ج ۲، ص ۲۱۷۶-۲۱۷۷
۶. مرینی، علی. کتابخانه و کتابداری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (استد)، ۱۳۷۹
7. Arnoul, Jean-Marie. "Assessment of Iraqi Culture heritage: Libraries and Archives". [on-line]. Available: http://www.ifa.org/V1/4/admin/Iraq_240_7.htm
8. Dewan, shaila L. "Book spirned to safety before Iraq library fire". *The New York times* (Jul. 21, 2003).
9. "Iraq". Online Encyclopedia. 2003. [on-line]. Available: <http://encarta.msn.co>.
10. Lerner, Frederick Andrew. *The Story of Libraries: from the invention of writing to the computer age*. New York: Continuum, 1998.

مقابل رستوران حمدان توقف می‌کند و از محمد می‌پرسد چرا مسلح است؟ او که از ترس بازرسی از رستوران نفشش بند آمده بود به سربازان می‌گوید فقط برای محافظت از محل کارش اسلحه دارد. آقای محمد گفت: "آنها متوجه نشدند که همه کتاب‌های کتابخانه در رستوران من است".

اگرچه خانم باقر قوی‌ست ولی شکست‌ناپذیر نیست، وی پس از آتش‌سوزی کتابخانه دچار سکنه مغزی می‌شود. او گفت: "بازسازی کتابخانه را که دیدم، بازنشسته می‌شوم".

او گفت: "مغول‌ها آخرین کسانی بودند که کتابخانه‌ای را آتش زدند". براساس داستانی که سینه به سینه نقل شده هولاکو در قرن ۱۳ م. (۷ ق.) زمانی که کتابخانه بغداد را به آتش می‌کشید، کتاب‌ها را به دجله انداخت و آب رودخانه از جوهر آنها نیلگون شد.

پس از سرقراری آرامش در بصره خانم باقر و همسرش کامیونی اجاره کردند و کتاب‌ها را به منزلشان بردند و برخی را به دوستان و همکاران قابل اعتماد سپردند.

خانم باقر نجوای همسایگان را می‌شنید که می‌گفتند "ای بسا خودش غارتگر باشد، البته چندان هم زرنگ نیست". او گفت: "در نگاهشان می‌خواندم که می‌گفتند چرا این زن کتاب‌ها را به منزلش می‌آورد، مردم چیزهای بالارزش‌تری می‌دزدند".

تاریخ دریافت: ۸۲/۸/۲۰